

مبارزه زنان برای آزادی مبارزه ای همه جانبه است

به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۱

موقعیت فرودست زنان در جامعه و تحمیل انواع فشارها، محرومیت ها، ستم ها و استثمار مضاعف بر آنان نه ناشی از کهنتری ذاتی زنان است (افسانه ای که قرن هاست آموزش های دینی و ایدئولوژی های ارتجاعی غیر دینی به ترویج آن می پردازند)، و نه ناشی از خباثت درونی مردان و یا برتری طلبی ذاتی مردسالارانه و یا پدرسالارانه آنان (توضیح ساده انگارانه ای که برخی گرایش های فمینیستی به خاطر محدودیت دیدگاه و یا منافع تنگ نظرانه شان بدان متوسل می شوند). ریشه و بنیاد موقعیت فرودست زنان در جامعه، وجود نظام طبقاتی است، نظامی که در آن بخشی از جامعه به خاطر مالکیت وسائل تولید این امکان را به دست می آورد که بخش دیگر را که فاقد وسائل تولید و معیشت است از نظر اقتصادی استثمار کند، از نظر سیاسی به اطاعت خود در آورد و از نظر فرهنگی و فکری اسیر فریب ها، دروغ ها، مترسک ها و دل خوشکنک های خود سازد.

جامعه سرمایه داری ستم بر زنان را از نظام های اجتماعی - اقتصادی پیش از خود به ارث برده اما نه تنها این ستم را از میان برداشته بلکه آن را به شکل دیگری حفظ و تحکیم و در مواردی تشدید کرده است. اگر در برخی از جوامع سرمایه داری نابرابری زنان با مردان در عرصه حقوقی و اساساً بر روی کاغذ حذف شده است اما در عمل این نابرابری در همه عرصه ها، به ویژه در زمینه اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. علت بنیادی این امر آن است که منافع نظام سرمایه داری با استثمار مضاعف زنان و با تقسیم کار جنسی، به ویژه تحمیل کار خانگی بر زنان، گره خورده است. در همه کشورهای سرمایه داری مزد زنان کارگر برای کار یکسان به طور متوسط از مزد مردان کارگر کمتر است. در اکثر کشورهای سرمایه داری نرخ بیکاری زنان بیشتر از مردان است و زنان در زمینه اشتغال و بازنشستگی و حقوق و مزایای اجتماعی وضعیت بدتری نسبت به مردان دارند. در همه جا بخش اعظم کار خانگی بر دوش زنان است. پائین بودن متوسط مزد زنان کارگر نسبت به مردان و تحمیل کار خانگی بر زنان کارگر و زحمتکش باعث می شود که سطح عمومی مزد در جامعه پائین آید و طبقه سرمایه دار و دیگر طبقات استثمارگر سهم بیشتری از ثمرات کار کارگران را تصاحب کنند.

در ایران موقعیت نابرابر زن و مرد در امر طلاق، نگهداری و تربیت فرزندان، سرپرستی خانواده، وجود چند همسری و صیغه، مجازات های وحشیانه قرون وسطائی مانند سنگسار، نابرابری زن و مرد در ارث بری، در امر شهادت و قضا، حق مسافرت و کارکردن، تصدی یک رشته مشاغل، فعالیت های هنری و ورزشی و غیره و غیره تنها بخشی از ستم هایی است که بر زنان وارد می شود و رژیم

ارتجاعی جمهوری اسلامی، مهم ترین و ارتجاعی ترین نیروی محافظ و پیش برنده این ستم ها و اجحافات است.

علاوه بر انواع ستم های سنتی و قرون وسطائی که بر عموم زنان وارد می شود، زنان کارگر ایران در کارگاه ها و کارخانه ها، در بیمارستان ها و مدارس و دانشگاه ها، در ادارات و فروشگاه ها و نیز به عنوان خدمتکار و رختشو و غیره دستخوش استثمار دوگانه و وحشیانه سرمایه داری اند که با نگاه تحقیرآمیز به زن به عنوان «ضعیفه»، با چشم داشت های رذیلانه و تلقی از زن همچون کالای جنسی همراه است.

زنان کارگر ایران برای رهائی از همه فشارها و ستم های ارتجاعی و قرون وسطائی، برای برابری با مردان در همه عرصه های حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، برای رهائی از استثمار دوگانه، برای رهائی از تقسیم کار جنسی و بردوش کشیدن بار اصلی کار خانگی، نیازمند مبارزه ای همه جانبه در عرصه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اند. ما بارها گفته ایم که در جامعه سرمایه داری مبارزه زنان برای آزادی جزء جدائی ناپذیر مبارزه دموکراتیک عمومی و جزء جدائی ناپذیر جنبش کارگری برای آزادی از استثمار و نظام طبقاتی است. همچنین در جنبش کارگری و در جنبش دموکراتیک این حقیقت مدت هاست شناخته شده که بدون آزادی زن، نوع بشر نمی تواند آزاد باشد و پیشروی زنان به سمت آزادی معیار پیشروی جامعه است.^۱

در شرائط کنونی ایران مبارزه زنان برای دست یابی به حق طلاق و نگهداری فرزندان و سرپرستی خانواده، منع چند همسری و صیغه، لغو حجاب اجباری و تضمین آزادی پوشش، منع سنگسار و دیگر مجازات های وحشیانه مربوط به روابط برون همسری، منع ازدواج کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال، آزادی دختران و پسران ۱۸ ساله و بالاتر در امر همسرگزینی و ارتباط با یکدیگر، برابری دختر و پسر در ارث بری، برابری زن و مرد در حقوق مدنی، جزائی و سیاسی، منع تبعیض جنسی در امر اشتغال، بازنشستگی و مزایای اجتماعی، مزد برابر با مردان در مقابل کار برابر، منع جدائی زنان از مردان در محیط کار، درس و تحقیق، مبارزه و دیگر عرصه های فعالیت اجتماعی و فرهنگی و غیره و غیره که باید همواره و در هر شرائطی صورت گیرد و هیچ توجیه و بهانه ای نمی تواند و نباید سدی در برابر این مبارزات گردد.

^۱ - شارل فوریه می گفت: «پیشرفت های اجتماعی به تناسب پیشروی زنان به سمت آزادی، و انحطاط نظم اجتماعی به تناسب کاهش آزادی زنان صورت می گیرد.»

در همان حال باید توجه کرد که درست به علت اینکه ستم های وارد بر زنان متعدد و پیچیده است و با روابط اجتماعی و اقتصادی حاکم در جامعه، یعنی با روابط طبقاتی گره خورده است، مبارزه زنان برای آزادی نیز مبارزه ای پیچیده و همه جانبه است. آزادی واقعی و کامل زن تنها در شرایطی صورت می گیرد که جامعه از طبقات آزاد شده باشد. اما این بدان معنی نیست که تا جامعه از طبقات آزاد نشده است زنان نباید برای آزادی خود مبارزه کنند! چنین نتیجه گیری ای غلط است زیرا چنانکه گفتیم مبارزه زنان برای آزادی یک مؤلفه بزرگ از مبارزه دموکراتیک و مبارزه سوسیالیستی است و بدون مبارزه زنان این دو مبارزه به اهداف خود نخواهند رسید. آزادی کامل زن در سوسیالیسم امکان پذیر است و سوسیالیسم بدون آزادی زن و برابری زن و مرد در همه عرصه ها و بدون مبارزه زنان برای آزادی خود و آزادی همه بشریت قابل دست یابی نیست.

تظاهرات و اعتراضات عظیم توده ای هفته های اخیر در تونس، مصر، الجزایر، لیبی، مراکش، و حتی بحرین، اردن و عمان نشان داد که زنان به شکل آگاهانه و یا غریزی این موضوع را درک کرده اند که باید وارد مبارزه سیاسی، مبارزه انقلابی، شوند. شرکت فعال زنان در مبارزه سیاسی و نیز مبارزه اقتصادی و اجتماعی در کنار مردان کارگر و زحمتکش و دانشجویان و روشنفکران آزادی خواه همراه با مبارزه مستقل زنان برای دست یابی به برابری با مردان در همه عرصه ها، این است آن مبارزه همه جانبه ای که می تواند زنان، به ویژه زنان کارگر، را در به دست آوردن موقعیت درخورشان در جامعه یاری دهد.

در ایران کنونی، مبارزه انقلابی برای سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین نظامی و اداری بورژوازی با هدف مقدم استقرار دموکراسی انقلابی شورائی و پیشروی به سمت سوسیالیسم، استراتژی مبارزه سیاسی طبقه کارگر را تشکیل می دهد. در مبارزات جاری سیاسی مبارزه برای کسب آزادی عقیده و بیان، آزادی تظاهرات و اعتراض، حق تشکل، حق اعتصاب، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه با ستم ملی، دینی و فرهنگی، مبارزه برای جدائی دین از دولت و آموزش عمومی و قطع کمک های دولتی به مؤسسات دینی، اخراج نیروهای سرکوبگر از دانشگاه ها و مدارس، مبارزه با نظامی گری و شوونیسم و غیره عرصه های مهمی را تشکیل می دهند که در خدمت استراتژی انقلابی اند. همچنین مبارزه برای خواست های اقتصادی و اجتماعی طبقه کارگر، مبارزه برای تعیین مزد حداقل کافی برای زندگی شایسته یک خانوار چهار نفری، مبارزه برای تضمین بیمه بیکاری برای همه بیکاران (خواه با سابقه کار و خواه بدون آن)، مبارزه برای حق بازنشستگی مکفی برای همه کسانی که بیش از ۶۰ سال دارند، مبارزه با بیکارسازی، مبارزه برای به

رسمیت شناسی تشکل های مستقل کارگری، مبارزه با هرگونه تبعیض جنسی، دینی، ملی و نژادی در محیط کار و در جامعه، عرصه های مهمی از مبارزات اقتصادی و اجتماعی را تشکیل می دهند.

مبارزات زنان برای دست یابی به برابری کامل با مردان در همه زمینه ها هنگامی به ثمر می نشیند که با مبارزات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ای که گفته شد توأم باشد همان گونه که مبارزات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی یاد شده بدون شرکت زنان و بدون حمایت کامل و بی قید و شرط این مبارزات از حقوق زنان به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.

پرطنین باد پیام آزادی بخش ۸ مارس!

گسترده و مستحکم باد مبارزه زنان برای آزادی!

مرگ بر رژیم ارتجاعی و زن ستیز جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی!

زنده باد سوسیالیسم!

جمعی از کمونیست های ایران (آذرخش)

۱۴ اسفند ۱۳۸۹، ۵ مارس ۲۰۱۱

www.aazarakhsh.org

azarakhshi@gmail.com